

بخشی از میراث مشترک بشری

در زبان پارسی و همسایگان دور و نزدیکش

غلامعلی کشانی

(Aug/07/2011) 1390-4-16

keshanigh@gmail.com

www.adamekhoshoonat.blogspot.com

بشر بعنوان عنصری گروه-زیست، ناچار از بده-بستان است. این بده-بستان‌ها همواره بوده و خواهند بود. اشاره به نمونه‌هایی از این ارتباطات در زمینه ی بنیادی‌ترین برساخت بشر یعنی زبان، اشاره به برتری یک قوم بر دیگری نخواهد بود، اما می‌تواند کمکی باشد به فهم و درک حرکت فرهنگ و فتآوری از یک سو به سوی دیگر در روند عرضی - جغرافیا و طولی - تاریخ، در لحظه ای از زمان و از سوی به سویه‌های دیگر در لحظه ای دیگر.

همه‌ی اقوام همسایه، از یکدیگر یاد می‌گیرند، چه در صلح و چه در جنگ. نکته این است که هنگام اقتباس یا رونویسی از دست یکدیگر، هر قومی تلاش می‌کند تا پدیده‌ی تازه‌ی فرهنگی-تمدنی را آنچنان دست‌کاری کند که ردی از اقتباس و کپی‌برداری و گرت‌برداری در آن باقی نگذارد. یعنی همه تلاش می‌کنند پدیده‌ی تازه را از آن خود - خود معرفی کنند و اثری از خالق اولیه‌ی آن پدیده باقی نگذارند. و البته گاهی اوقات نیز، محدودیت‌های ساختاری زبان وام‌گیرنده است که برخی تغییرات در واژه‌ی اصلی را گریزناپذیر می‌کند. مثلاً یک ژاپنی نمی‌تواند علی را مثل ایرانیان تلفظ کند و بجای آن می‌گوید: "آری". می‌بینیم علی به کلمه‌ای بدل می‌شود که بازشناسی آن دشوار است. یا در عربی معمول است که براحتی، واژه‌ی بیگانه را بگیرند و حتی بعنوان ریشه، استفاده کنند، مثل مُبَسِّتِر، اسم مفعول برگرفته از تعبیر بستوریزه یا همان پاستوریزه‌ی فرانسه.

همین تحولات زبانی، باعث شده است نزدیکی‌ها و تمایل اقوام به یکدیگر لاپوشانی شود، بطوری‌که کشف و درک آن‌ها بسیار مشکل گردد. تلاش در جهت "ردّ گم‌کنی" تاریخی از اقتباس‌ها و سرقت‌های فرهنگی اقوام از یکدیگر، در خدمت هویت‌سازی خودی-ناخودی قرار می‌گیرد و همین هویت‌های دست‌ساز هستند که بخوبی می‌توانند در هنگام نیاز به یاری مقاصد جنگ طلبانه‌ی حکومت‌ها بیایند. حکومت‌ها، هنگامی که از حل مشکلات خود ساخته یا ملت- دولت- ساخته بر نمی‌آیند و امید خود را به بقا از دست رفته می‌بینند، بعنوان آخرین راه حلّ - تداوم بقا، بر روی مفاهیم هویت و خودی-ناخودی مانور داده و جنگ‌ها را سازمان و سامان می‌دهند تا مفرّی پیدا شود برای دست و پا بستگی کارکردی‌شان در حل مسائل واقعی مردم.

اما درک این نکته که بشر عضوی است از خانواده‌ای بزرگ که همواره در حال یادگیری از دیگر
اعضاء بوده و تنها کمیابی منابع "پر ارزش پر طرفدار" و تمایل انسان به لذت و آسایش بیشتر بوده
که انسان ها را بر علیه هم به کنش واداشته است، گامی است رو به جلو. در این مرحله همه می‌فهمیم
همگی "سرو ته از یک کرباسیم!"

یکی از جالب‌ترین این بده-بستان ها، ارتباط یهودیان منطقه ی کنعان-فلسطین پیشین و منطقه‌ی
فلسطین-اسرائیل کنونی با منطقه‌ی ورا رود در آسیای مرکزی است که دو رود سیحون و جیحون در
آن جاری‌اند. این دو رود در بعضی نوشته‌ها به نام آمودریا و سیر دریا یاد شده‌اند و اکنون در ایران
به سیحون و جیحون مشهورند. این که چرا این دو اسم مکان، در اسرائیل-فلسطین کنونی و کنعان
پیشین هم مطرح‌اند، این که چرا بخارا مرکز یهودیان منطقه‌ی آسیای مرکزی بوده‌است و حتی در
دوران معاصر نیز مرکزیت فتوایی خود را حفظ کرده است (یکی از دو یهودی بازمانده در شهر
کابل، افتخار می کند که اجازه‌ی ذبح کوشر (کاشر) خود را از علمای بخارا گرفته است، (به نقل از
مستند به نمایش درآمده در بی بی سی بنام "دسیسه در کابل")، همگی این‌ها باید نشانه‌هایی از
روابط میان-قومی. این دو منطقه‌ی دور داشته باشند.

یکی دیگر از این ارتباطات جالب، میان دو واژه ی کوشر (عبری) و کوثر(عربی) است.

مورد دیگر رابطه‌ی میان واژه‌ی عربی "فِئَة" با واژه‌ی انگلیسی FEW است.

یک نمونه ی جالب دیگر، رابطه میان مس (لمس کردن عربی)، مسح (مالیدن سطحی روغن یا آب
متبرک) ، مسیح، تدهین (شفا و تبرک دادن از طریق مالیدن روغن مقدس)، ماساژ MASSAGE و
MASS (مراسم عشاء ربانی) است.

xxxxxxxx

در زیر فهرستی [ناقص] از واژگان مشترک فارسی (یا عربی یا ترکی. فارسی شده) با زبان‌های
بیگانه یا فارسی قدیم یا ترکی یا عربی، بعنوان بخشی از بده-بستان‌های فرهنگی-تمدنی ایرانی
جماعت با دیگران، آورده می شود.

واژگان قرمز رنگ از سایت ارجمند ویکی‌پدیا (با این آدرس:

http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_English_words_of_Persian_origin)

نقل، ترجمه و ویرایش شده اند. باقی واژگان، یافته‌های نگارنده‌اند. یافتن چند واژه نیز به لطف دقت
نظر بعضی از دوستان بوده‌است که در این‌جا از تک تک آنان سپاس‌گزارم.

شهریور 1390، غلامعلی کشانی

برابر- واژه‌ی بیگانه یا پارسی قدیم و ترکی و... STAN	پارسی، عربی و ترکی پارسی شده ...ستان (پسوند قلمرو)، استان
... AGE (ENGLISH)	...گی؟
... A (AFRICA ...)	...ه (های تانیث) یوگوسلاویه، روسیه، ...
ABKAR	آبکار (شراب انداز)
ABKARI	آبکاری (شراب اندازی)
APADANA	آپادانا (محوطه‌ی دور)
	آچار (ترکی: باز کننده)
ACHAR	آچار (نوعی ترشی هندی با نام پارسی)
AHUNG	آخوند (به چینی)
AKHUNDZADEH	آخوندزاده (امیرزاده)
ADAM	آدم
YAHOO	آدم بوگندو و زمخت؟ (شاید برگرفته از ذکر در اویس یا هو گویی باشد که بطور معمول پشمینه پوش و ژولیده مو نیز بوده اند و به طور عام، تلقی تحقیرآمیز غربیان از در اویس ژولیده و پشمینه پوش شرقی و سپس هر آدم آنچنانی در میان خودشان)؟
ARKHANGELSK آرخان گیل سُنک (شهری در مدار قطبی روسیه)	آرخ (نهر) (در آرخان گیل سُنک روسیه ی قطبی) آرخ = نهر + گل = آبگیر، دریاچه
	آرسنیک (زرنیخ)
ARIA	آریا
AZADIRAKHTA	آزادی درخت (هندی)
AZURE	آزور
AZHA	آژا (آشیانه)
AS	آس (نوعی بازی کارتی ایرانی)
	آستارا (ر.ک. ستاره)
	آسترا (ر.ک. ستاره)
	آستراخان (ر.ک. ستاره)
AZHA	آشیانه

AMEN	آمین (به عربی: چنین باد)
ADVICE, ADVISE, AVISE اَوِيز، اَوِيزه (ایتالیایی، به معنی هشدار و توصیه و نصیحت و انداز)	اَوِيزه (پند و هشدار را اَوِيزه ی گوش کردن)
AHU	آهو
Abbe (French priest) پدر روحانی در فرانسه	آب، آبو، آبی، بابا، ، آبا (در ایتالیایی)
ABCD, KLMN, QRST	ابجد (ابجد،...، کلمن،... قَرَشَت ،...)
ABRAHAM, AVRAHAM, EPHRAEEM آبراهام، آوراها، افراییم	ابراهیم، بایرام (ترکی)، ، بهرام، وهرام، پرهام، برهمن، برهما، براهیم، براهم (مغرب عربی)
EYEBROW	ابرو (-ی چشم)
BOY	ابو (ابن، پسر، پدر)
ACCESSORY	اثاثیه ، متعلقات، لوازم جانبی
STAR	اختر (ر.ک. ستاره، استاره، استر (نامی یهودی))
SAHIB	ارباب، صاحب
ERROZ, RIZZO, RICE (در زبان‌های اروپایی)	اَرزُ (برنج به عربی)
ROSLAN (RUSSIAN)	ارسلان، اسقلان، اصقلان، اشکالون (در فلسطین-اسرائیل)
ARSENIC	ارسنیک، زرنیخ
EARTH	ارض
9 8 7 6 5 4 3 2 1	ارقام ۱۰ ۲ ۱ ۰ (۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰ عیناً، ۲ و ۳ و ۴ و ۷ با ۹۰ درجه چرخش ساعت وار، ۵ با کم کردن امتداد کمانی چپ، و ۶ با کم کردن دسته ی مورب آن به لاتین تبدیل می‌شوند.)
ARC, ARCH, ARCHI آرک، آرکی، آرشی	ارگ (طاق قوسی)، (ایوان حکومتی، مقر حکومتی)
ARMENIA	ارمنستان
JORDAN, JERUSALEM, UOOR ? اُردُن، اُرشلیم، اوور (تمدن عراقی)	اُرومیه (اور = شهر + میه = آب: شهر کنار آب)
BONDAGE, BOND, BAND	اسارت، بردگی، بندگی
ISPAGHOL	اسپاقول (گوش اسب، گیاهی برای مصرف در نوشیدنی ها)
SPAHI	اسپاهی، سپاهی
ABSINTHE	اسپند
SAPINDALES	اسپند
ABSINTHE	اسپند؟

IS, ASTIKA ایز (انگلیسی)، آستیکا (سانسکریت)	است، هست
STAN	استان، جا، مکان، سرزمین، کشور
STANDARD	استاندارد، استانده
	استر (نامی یهودی) (ر.ک. ستاره)
	استرآباد (ر.ک. ستاره)
OSTEO- (PREFIX)	استخوان
BONE	استخوان، اسکلت، بن
ISSAC (عبری) آیزاک، ایساک، اسحاق	اسحاق
HISTORY, STORY	اسطوره (تاریخ، قصه)
SPINACH	اسفناج، اسپناج
SPONGE	اسفنج
ESHKALON (عبری، شهری در اسرائیل فعلی)	اسقلان، اصفلان، (ارسلان؟ ترکی) (روسلان؟ روسی)
SKELETON	اسکلت
ALEXANDRE, ALEXANDER, ALEX, ALEXI, ALEJANDRO, ALEKHANDRO الکساندر، الکس، الکسی (روسی)	اسکندر
SKELETON	اسکلت
SLAVE, SLAV	اسلاو، برده
SPELL	اسم (ر.ک. کلمه)، یکی از نام‌های اسم اعظم، خود اسم اعظم (ر.ک. کلمه)
SAMUEL, SHEMOOIL	اسماعیل
AFRIT	افریت، عفریت
KOTWAL	افسر ارشد پلیس
THANADAR	افسر ارشد کلانتری
SHERRIF	افسر کلانتری
SPELL BOUND	افسون‌شده، طلسم‌شده (ر.ک. کلمه)
OPIUM	افیون، تریاک
ACCOMMODATION	اقامت
CLIMATE, ACCLIMATE	اقلیم
ELEXIR (شربت دارویی انگلیسی)	اکسیر، الاکسیر، عصاره
EL ... (SPANISH, ITALIAN)	ال (نشانه‌ی معرفه در عربی)
ELEXIR (شربت دارویی انگلیسی)	الاکسیر، اکسیر، عصاره

HAZARD (خطر، احتمال خطر)	الخطر، حذر کردن، حذر،
ALGORITHM	الخوارزمية، خوارزمية، الگوریتم، الگور
ELSPETH	الزبيبة، السبت (سبت: شنبه در آیین يهود)، زبيده، الزبيده، اليزابت، اليسانبات، اليزبت، اليزابت، ليز، ليزا، اليزه،
ALSEPETH	السبت (ر.ك. الزبيبت)
ELEPHANT	الفيل، فيل
EGYPT, ALGIBT	القبط، اجيبت (انگلیسی)، الجيبت، القبيبت، قبطی
ALCOHOL (انگلیسی)	الكل، الكحل (عربی)
ALGORITHM	الگوریتم، الخوارزمية، خوارزمية
MITHRA	الهه ي نور و حقيقت پارسي (الهه ي پارسي ميتر يا مطهره)
MITHRAEUM	الهه ي نور و حقيقت پارسي (ميترابي، منسوب به مطهره)
MAMA (INCA GODDESS)	الهه ي اينكا (ماما، مادر)
ALSPETH	اليزابت، السبت، اليسانبات (سبت، روز شنبه ي مقدس يهوديان)
METROPOLIS	ام القراء، مادرشهر، مادر شهرها، شهر اصلي، شهر مهم
AMANI	امانی (وثيقه)
AMIR, EMIR	امير
PESHWA	امير، پيشوا
AKHUNDZADA	اميرزاده
ANGEL, EVANGELIST, ANGLETERRE, ANGLAIS, ANGELICAN, ANGEL, ENGLAND انجل، اوانجليست، انگلتره، انگليكن، آنجل، انگلند	انجيل، انجيلی، انگلیس
INTER (فرانسوی) اینتر، اَ نتر	اندر
DASTURI	انعام
ENAMDAR	انعامدار (رتبه ي کسی که از شاه دست خوش گرفته باشد)
ANGARIA (ANGEL)	انگاریا (فرشته) (انجيل، انگلیس)
ANGEL, EVANGELIST, ENGELTERE, ANGELICAN, ANGEL, ENGLAND انجل، اوانجليست، انگلتره، انگليكن، آنجل، انگلند	انگلیس، نک: انجيل

EAU (فرانسسه) او	او (آب در لری و غالب گویش های زاگرسى)
LOUT	اوباش، لات
AVESTA	اوستا
AVESTAN	اوستایی، کتابهای مقدس زردشتی
UKRAINE	اوکراین، یوکراین (در زبان روسی یو: سرزمین + کراین: کرانه، مرز + سرزمین کرانه ای، سرزمین مرزی)
ANGRA MAINYU	اهریمن (گونه‌ی قدیمی واژه‌ی-)
AHRIMAN	اهریمن، شر (در آیین زردشت)
AHURAMAZDA	اهورامزدا
... IC (ACADEMIC, CATHOLIC...)	ای نسبت در آخر کلمه (در پارسی امروز) = ایک (در پارسی کهن)
STAND	ایستادن
IMMUNITY	ایمنی و مصونیت (بهداشتی)
IGLOO (خانه‌ی اسکیمو)	ایو (ترکی: خانه)
BY	با، از طریق، از سوی
PAPA	بابا
BABA (چینی ی ماندارین)	بابا (فارسی و عربی عامیانه)
PAPA	بابا، ابو (ابن)، بویه، بوئه و بوآ، بُوَه (در گویش لری)، بابک، پاپکان،
BABUL	بابل (درخت اقاچیا)
PAPOOSH, BABOUCHE	بابوش، پاپوش
BEDEGUAR	بادآورد
AUBERGINE	بادنجان
BRINJAL	بادنجان
UBERJIN	بادنجان
BADIAN	بادیان رومی (انیسون)
BOROUGH, BUREAU	بارو، ستاد، هیئت ادار هکننده
بورو، پولیت بورو، بورو (حاکم نشین در انگلیسی)	
BAZAR	بازار
BAZAAR	بازار (بهازار)
BAZIGAR	بازیگر (کولی چادر نشین هندی که کارش بازیگری

	است)
BALCONY	بالاخانه (بالکن)
BALAGHAT	بالاگت (بالا+گت) (گذرگاه و زمین تخت بالای کوه)
BALDACHIN	بالداچین (پارچه ی نفیس بغدادی)
BALCONY	بالکن، بالکون، بالاخانه
BAN	بان (در زبان صرب و کرواتی و پارسی: شازده، خان، رئیس، امیر، فرماندار)،
BANG	بانگ، بنگ
BABACHI	باوارچی، بابرچی (آشپز مرد)
PAGODA	بتکده (پاگودا، برگرفته از پاگوده ی پرتغالی، برگرفته از بتکده ی فارسی)، معبد چند طبقه ی معمولاً مخروطی و هرمی در آسیای جنوبی و شرق دور
ALBEIT	البته ، اگرچه، هرچند، ولو اینکه
BAKHTIAR	بختیار، خوشبخت، اهل بختیاری
BUCKSHEE	بخشش
BAKSHISH, BAKHSHISH, BUKSHI	بخشش، دهش
BAKSHEESH	بخشش، صله
BAKSHI	بخشنده، بخشی
BUKSHI	بخشی، دهنده، افسر عامل
BAD	بد
BUDMASH	بدمعاش، آدم بی ارزش، شخصیت بد
BODY	بدن
DEBT	بدهی
BROTHER, FRATERNITY	برادر، برادری
FRATERNITY	برادری
ABRAHAM	براهم، براهیم، پرهام، بهرام، وهرام، ابراهیم، براهیم (مغربی)، ابراهیم
BORG, BORGOSY, BOROUGH بورگ، سن پترزبورگ، ماربورگ، بورژوا، بورژوازی، بورو ...	برج (کنایه از شهر)، بارو
BONDAGE, BOND, BAND	بردگی، بندگی، اسارت
BAR SOM	برسم، برسام، ترکه ی موبدان

	BURKUNDAZ	برق انداز (نگهبان مسلح)
	BURGHHA, BURKA	برقع
	BRAZE	برنج (معرب برنز)
	BRONZE	برنز (به عربی: برنج)
	BIRYANI بیریانی	بریانی (کباب شده)
	BUZKASHI	بزکشی (ورزش سنتی افغان)
	BEIGE	بژ، قهوه‌ای مایل به زرد خاکستری، کامبیز (پارچه ظریف جامه ی عید شاه)
	BAS	بس
Genie	BAND	بستن با بند
	ALBIGENSIANS (ALBIGA: شهر و منطقه‌ی ملحدان? ALBIGEN),	البغائینون (بغی)، البیگائین (شورشیان)
	BAGHDAD	بغداد (خداداد)
	BEGAR	بگار، بیکار
	BEGARI	بگاری
	BULBUL	بلبل، سراینده ی آواز های زیبا
	BLESS (برکت و ایمنی و حفاظت یافتن از طریق لمس و تماس)	بلس: لیسیدن گوساله‌ی نوزاد از سوی مادر (در گویش مازنی)؟
	BELLUM	بلم
	BALUCHI	بلوچ، بلوچی
	BOMBAST	بمبست، پنبه یا مواد گیاهی برای لابی لباس
	BONE	بُن (ریشه، استخوان، اسکلت)
	BENAMI	بنام
	BANDAGE	بند زخم، نوار پارچه ی زخم بندی، خود عمل زخم بندی، بندگی
	BAND	بند، بند و بست، ، ریسمان، تسمه، نوار، زنجیر، روبان
	BOND	بند، بندی، دربند (اسیر: طلسم شده)
	BUND	بند، سد کنترل آب
	BANDAR	بندر
	BONDAGE, BOND, BAND	بندگی، اسارت، بردگی
	HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	بنگ، علف، حشیش،

ODOUR, ODOR	بو، عطر
BE	بودن، بی (در گویش‌های فهلوی و زاگرسی رایج)
BORAX	بوراکس، سدیم بورات،
BURAX	بوره، بور، بوراکس
BOSTANJI	بوستانچی (شهردارکاخ شاه‌ی)
BETTER	بهتر
ABRAHAM, AVRAHAM, EPHRAEEM, BAIRAM	بهرام، پیرهام، وهرام، ابراهیم، براهیم (مغرب عربی)، بایرام (ترکی)، بیرام (ترکی)، برهمن، برهما
BHEESTY	بهشتی، سقا
PEPER	بی بر (فلفل در گویش روستاهای توسرکان و کردستان)
BIBI	بی بی
BABY	بی بی (زن محبوب)
BEGAR	بی‌کار، بیگاری‌دهنده
BEGGAR	بیگار، فقیر، نیازمند، گدا
BEGARI	بی‌کاری، بیگاری
BIG	بیگ (با یاء ساکن)، بگ (به ترکی: بزرگ قوم)، بیوک (به ترکی: بزرگ)
BILDAR	بیلدار، حفار، عمله
PAW	پا، پنجه، چنگال
PAPA	پاپا (بابا)
BABOUCHE	پاپوش (صندل بی پاشنه ی شرقی)
PAPOOSH	پاپوش، بابوش فرانسوی
BEZOAR	پادزهر
PADISHAH	پادشاه
PERSIA	پارس
PERSIS	پارس (قدیم)
PERSEPOLIS	پارس شهر، پرسپولیس
فارسی	پارسی
PARSEE	پارسی (بویژه زردشتی مقیم هند)
PART	پاره (م.ق. هاء تانیث با T)، بخشی از یک کل، تکه

PARASANG (MILESTONE)	پاره سنگ، فرسنگ، فرسخ (پاره سنگ - نشانه ی مسافت شماری در طول مسیر)، سنگ فاصله شمار
PARA	پاره، پارا، بخشی از یک کل، واحد فرعی پیشین پول ترکیه (عثمانی)
PASAR	پاسار (بازار (سرپوشیده)؟، گذر - دالان، پاساژ؟)
PASHA	پاشا، پادشاه
PAKISTAN	پاکستان (پاک + استان = سرزمین پاکان!)
PIE کلوچه ای که برای جمع پخته و بصورت مساوی تقسیم می‌شود، PIE CHART پای چارت، نمودار قاچی (آمار)	پای (به ترکی: سهم، حصه، بخش، پاره ای از یک مجموعه ی بزرگتر؛ مثلا در آت پای: بمعنی سهم گوشت کوبیده ی آبگوشت برای هر نفر دور سفره)، پا (سهم در اصطلاح مزرعه داری: یک پارعتی)
FINISH, FINITE, FIN (ایتالیایی)	فینیش، فاینایت، فین (ایتالیایی)
PYJAMA	پای جامه، پیجامه، پیژامه
PETROUS	پترس، پدرو، پدر
ALBATRAS (PETROS), ALPETROS	پدر
FATHER پیپر، پیتر، پتر، پتر، پیوتر، پیوتر، پیوتر، پدرو، پدروس، پتروس، فاندروس، پاندروس، پاتریس، پاتریس، پادرو، پادری (کشیش)، فادر، پاتریارک، پاتریمونی، پاتریک، پاتریس، بطریق، پتر	پدر
DADDY (ترکی)	پدر (دَدَه و دَد)
PADRE	پدر روحانی، قاضی عسکر
FATHER (PETER, ...)	پدر، پدر روحانی
BOUTROS	پدر، پترس، پیتر
PURDAH	پرده، پُرده (سنت حفظ زن در پشت پرده ی حریم خانه)
CHICK	پرده ی حصیری دم در خانه یا اطاق در هند (از چیق ترکی- فارسی و آلاچیق)
PARADISE	پردیس، فردوس، بهشت
PERSEPOLIS	پرسپولیس
PERCALE, PERCALINE	پرگاله (پارچه ی نفیس پنبه‌ای با پرداخت‌های نهایی. متنوع، پارچه صحافی)
PARGANA	پرگانه (شهرستان در هند، مجموعه شهرهای شهرستان)

PURWANNAH	پروانه، جواز
ABRAHAM	پرهام، بهرام (ر.ک. ابراهیم)
PERI	پری
FAIRY	پری، پریانہ، پری وار
PASS	پس (پس دادن، به دیگری ردّ کردن، پس گرفتن)
PISTACHIO	پسته
PASHTO	پشتو (زبان ایرانی پتان ها)
PERSIAN LAMB	پشم قره گل، آستراخان
PASHM	پشم، کرک زیر موی بز کشمیری
PASHMINA	پشمینه، کرک زیر موی بز کشمیری
فلاورجان: شهری در نزدیکی اصفهان (به گویش عربی)	پل ورگان (ورگان: نقطه ی تقسیم آب)
FLACCID	پلاسیده، شل و ول، سست، آویخته
PLAU, PILAF, PILAW (هندی)	پلو، پلاو
BOMBAST	پنبه (پمپا)
PANJ (در کولی های رومانی) PENTA , PANJE (در سانسکریت)	پنج
PUNJAB	پنجاب، پنج آب
PAW	پنجه، پا
PANEER	پنیر
POSTEEN	پوستین
PAHLAVI	پهلوی (زبان دوران ساسانی در پارس)
PIR	پیر، مرشد (در گروه های عرفانی)، مربی دینی
PERIMETER	پیرامون
PYJAMA	پیژامه، پیژاما، پای جامه
PESO, PESOTA, PESETA (واحد پول اکثر کشورهای اسپانی زبان)	پیسه (جزئی از روپیه ی پاکستانی)
PESHTWA	پیشوا، امیر، نخست وزیر
PYKE	پیک
PAGING, PAGE پیج (بچه شاگرد هتل، امر بر، خبر رسان)، پیجینگ (سیستم خبر)	پیک (خبر رسان)

رسانی و اعلام کننده)، صفحه (ابزار رسانش پیام نویسنده)	
TO	تا، بمنظور، بخاطر، تا آن نقطه، تا آن هدف، برای رسیدن به فلان هدف
COFFIN (انگلیسی)	تابوت، کفن
TAJ MAHAL	تاج محل
TAJ	تاج، کلاه
TAJIKISTAN	تاجیکستان
TAR	تار، عود شرقی
GUITAR	تار، گیتار
TIARA	تاره (تاج الهه)
TASS	تاس (کاسه آب خوردن)
TAFFETA	تافته
TAPESTRY	تافته، تپستری
TOQUE	تاقه (واحد پارچه و شال و چادر)
TAKY (لهستانی)	تاک، تاکستان، تاکی (وابسته به تاک)، شراب
APADANA	تالار بزرگ
TALC	تالک، تلق، طلق (ماده ی معدنی پودر تالک)
TABASHEER	تابشیر (گره خیزران بعنوان دارو)
TEBBAD	تعباد
AUMILDAR	تحصیلدار
TAHSILDAR	تحصیلدار (وصول کننده ی درآمد)
TARAZET	ترازو (شاهین -)
TRAFFIC	ترافق (عبور بدون تراحم از کنار هم)، ترافیک
ترافیک (مقررات و تمهیدات رفتآمد بی خطر کشتی ها از کنار هم در تنگه ها)	
TRANKY	ترانکی (قایق بی عرشه ی خلیج فارسی)
DRAGOMAN	ترجمان، مترجم، ترجمه (ر.ک. دروغ گو)

ACHAR	ترشی هندی (نوعی-)
TURKU	ترکو (نام بندری فنلاندی، در زبان اورال-آلتاییک فنلاندی که همراه با زبان مجاری، هر دو ریشه‌ی ترکی دارند)
OPIUM	تریاک (افیون)
TARRIF	تعرفه ، مالیات (و عوارض) عرفی و پذیرفته
تاریف (کارمزد کشتی‌ها برای هدایت سالم از تنگه‌ی جبل الطارق در دوران برتری عرب‌ها در اسپانیا)، نام شهری در همان تنگه در خاک اسپانیا	
LASQUE	تکه سنگ شبه الماس
TEL AVIV (عبری)	تل حبيب؟
ESTRAGON	تلخون
TALC	تلخ، طلق، پودر تالک
TEMACHA	تماشا (نمایش خنده دار بازیگران سیار)
TABOR	تمبور، تنبور
TAMARIND	تمر هندی
TUMBA, TEMPO, DRUM	تنبک، تمبک، دمبک (ضرب)
تومبا (آفریقایی)، تمپو، درام	
TANBURE, TAMBORE	تنبور، (تومبا؟)
TAMBOUR	تنبور، تمبور
TAMBOURINE	تنبور، تمبور
TANBUR	تنبور، تمبور
THUNDER	تندر
TANDOORI	تندوری، تنوری
بغاز (ترکی)	تنگه
TANGI	تنگی (دره‌ی باریک)، گلوگاه تنگ
TANDOORI	تنوری (غذای -)
THOU (انگلیسی)	تو (دوم شخص مفرد)
TURAN	توران (سرزمین ترکان)
TURANOSE	تورانوز (حاصل هیدرولیز جزئی "مله زیتوز": 3-

	گلوکوزیل فروکتوز)
TURANIAN	تورانیان
TURANITE	تورانیت (نمک بازی و انادات مس)
TORIUM	توری (در چراغ توری)
TYPHOON	توفان، طوفان
THOMAS, TOM, تامیس، توماس، تام، تومازو (در تداول ایتالیایی)	تهماسب، تاماس (در تداول ترکان همدان)
PARTHIAN SHOT	تیر پارتی (کنایه از نگاه یا سخنی تند و دشمنانه در هنگام عزیمت و وداع: تشبیه به تیراندازی سواران پارتی که هنگام دور شدن به عقب برگشته و تیرهای کشنده و دقیق رها می کردند.)
TREHALA	تیخال (شکرک کوهی یا شکرک پیله ی نوعی سوسک)
TIMAR	تیمار
SIMMON, SIMMONE	ثمانه (عربی)، شمعون (عبری)
JAGIR	جاگیر (حکم امارت و خراج در شمال هند)
JAMA	جامه (کت آستین بلند مردانه تا زانو)
ALGEBRA	جبر (ریاضی)
JIBRALTAR	جبل الطارق (تنگه -)
...JERD, ...GERD, ...GRAD لنینگراد، استالینگراد، نووگراد، بلگراد	جرد، معرب گرد (نک. گرد): بروجرد، خسروجرد، سوسنگرد، هشتگرد، دارابگرد، ...
JEZAIL	جزاییل (تفنگ بلند افغان)
YUFT	جفت (بوفت، بوخت)
JEMADAR	جماعت دار، جمادار (ستوان، مقام پلیس)
CAMEL	جمل (شتر)
GENIE	جن
GENII	جن‌ها، اجنه
CHANCELLOR	جنگسالار، وزیر اعظم در برخی دربارها، نخست وزیر، صدراعظم
JUNGLE	جنگل
YOUNG (در زبان های اروپای شمالی)	جنگه (گاو نر جوان زیر یوغ نرفته در گویش های

	زاگرسی و البرزی)، ینگه (نو، تازه، ینگه دنیا یا همان دنیای جوان (آمریکا) در تداول تهرانی متاخر)
JEWELRY	جواهری، جواهر
JIHAD	جهاد
GEHINNOM (HEBREW)	جهنم (دره ی هیئنوم در جنوب کوه صیهون در بیت المقدس که محل سوزاندن مردگان و سپس دفع زباله و بعذر محل قربانگاه بنی اسرائیل بوده است)، ج = دره + هیئنوم (نام شخص)
GIHON AND SIHON	جیهون یا گیهون (یکی از 4 رود بهشت عدن، احتمالا کانالی که دجله و فرات را بهم وصل می کرده، چشمه‌ای در دره‌ی قدرون واقع در جنوب شرقی تپه‌ی معبد اورشلیم (قدس) در کنار کوه صیهون یا سیحون یا سهیون یا صهیون؛ یکی از دو رودخانه‌ی بزرگ ناحیه‌ی ورا رود (ماوراء النهر) آسیای مرکزی در کنار رود سیحون
CHAWBUCK	چابک (تازیانه ی بزرگ)
CHADOR	چادر
CHARPOY	چارپایه (تخت نواری یا طنابی)
CHAKDAR	چاکدر، چاکر، مباشر ارباب
شاکر (عربی)	چاکر؟
CHAKAR	چاکر، کارگر دفتری
CHALLENGE	چالش
CHIN (انگلیسی)	چانه، چونه
(انگلیسی‌ی عامیانه برگرفته از گویش چینی‌ی کانتونی) CHAR	چای
CHAPPOW	چیو، چپاول
CHARKA	چرخه، چرخ
DAFTAR	چرم پرداخته
CHECK	چک
CHEQUE	چک
صلیب (عربی)	چلیپا
CHINAR	چنار

CHOB DAR	چوبدار
SHEPHERD (انگلیسی) شپرد CHOU BAN (ترکی استانبولی) چوبان	چوپان، شبان؟
CHA HAR (در کولی های رومانی)	چهار
CHAR POY	چهار پایه (نوعی تخت با تشیمن نواری یا طنابی)
CHICK	چیق (پرده ی حصیری دم در)
CHEY NEY	چینی (پارچه ی پشمی)
CHINA	چینی (ظروف-)
HAZARD (خطر، احتمال خطر)	حذر کردن، حذر، الحذر
HAREM	حرم، مکان ممنوعه، زنان و کودکان خانواده، آنچه که در خانواده باید حفظ شود، حرمسرا
ASSASSINS	حشاشین (پیروان حسن صباح، که متهم به ترور بودند)، هراس افکنان
HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	حشیش، بنگ، علف
BILDAR	حفار
HYLEG	حلاج
HALAL COR	حلال خور (آدم همه چیز خوار و بدون احتیاط در حلال و حرام خوراکی ها)
HANA	حنا (نامی در زبان های اورال- آلتائیک فنلاندی (هم خانواده ی ترکی) برای دختر)
EVE	حوّا
HAVILDAR	حواله دار (گروه بان ارتش هند در امور اجرائی)
KHAKSAR	خاکسار (عضو جنبش شبه نظامی ملی گرای مسلمان)، فروتن (در بیان درویشان)
KHAKI	خاکی، به رنگ خاک، از جنس خاک
KHAN	خان (استراحتگاه، کاروان سرا)
KHAN, KHAGHAN	خان، قآن، خاقان
KHANKAH	خانقاه
BARBICAN	خانه؟
CAVIAR	خاویار
HOTAIN (چینی)	ختن (ترکستان چین)
GODS, GHODS گاد، گادز	خدا (قدس، روح القدس؟)

KHIDMATGAR	خدمتکار (نوکر)
CALABASH	خریزه
PERSIMMON	خرمالو
KHUSKHUS	خس خس (علفی خوشبو)
XEREXES	خشایارشان، خشایار شاه (مرد شاهان)
GEORGE, GREGORY جرج، جرجیا، گئورگ، گئورگیس، گیورگیس، گئورگیو، گیورگی، گِر_ک، گرگ، جرجی، جورجیو، جرجیس	خضر (حضرت -)
CAFTAN, KAFTAN	خفتان (ردای بلند گشاد کمربند دار در خاور نزدیک)
CELLAR (سرداب شراب اندازی در انگلیسی)	خُلار (روستای شراب سازان یهودی در حومه ی شیراز)، شراب خُلار
GALINGALE	خلنجان (نام گیاه)
KHALIF, KHALIPH, KALIF, CALIPH	خلیفه
KHOJA	خواجه (خطاب احترام آمیز)
ALGORITHM	خوارزمی، الخوارزمی، الگوریتم، الگُو
GIZZARD	خوراک دل و جگر مرغ
BAKHTIAR	خوشبخت، بختیار، اهل بختیاری
BANANA	خوشه (به عربی؟)، موز
CUSHY	خوشی
GOODS گود (خوب، خیر)، گودز (کالا، امتعه، بار)	خیر (عربی: خوب، خوبی، مال و منال و کالا)
THE	دِ (پیش از اسامی در فارسی دری)
DADDY, DAD	دادا (اصفاهونی)، دَد، دده (ترکی)
DAROGA	داروغه
STORY	اسطوره، داستان، افسانه
DANIEL, DANIAL	دانیال
DAVID,	داوود
DUBBER	دبّه (مشک بزرگ مایعات)
TIGER	دجله

TIGRIS	دجله، تیر، پیکان، نوک تیز
DAUGHTER	دختر
DAKHMA	دخمه (محل کفن و دفن مردگان زردشتی و به مرغان سپردن آنان)
DADDY, DAD	دَد [ه] (پدر به ترکی)، دادا (اصفاهونی)
DOOR	در
	در پوش، کلاهک
DURBAR	دربار (حاضرین در حضور شاه)
DURWAN	دربان
AZADIRACHTA	درخت آزاد
AZEDARACH	درخت آزاد
DARZI	درزی (دوزنده)
DRACHMA (واحد پول یونان)	درم، درهم
DRAGOMAN (آلمانی)	دروغ گو؟ ترجمان، مترجم، ترجمه (مترجم خائن و دروغ‌گوست (زبانزد ایتالیایی))؟
DERVISH, DARVESH	درویش
DRAKHMA (واحد پول یونان)	درم
CARA SEA, KARA SEA	دریای سیاه، کارا سی یا قارا سی (در مدار قطبی شمالی)
DUSTUCK	دستک (دسته، دستگیره)
BANDANNA	دستمال گردن، بند گردن
DASTUR	دستور (روحانی عالی پارس)
DASTURI	دستور (عوارض گمرکی)، پاداش
BAR SOM	برسم (دسته ترکیه ی مقدس موبدان)
DOSHMAN (در کولی های رومانی)	دشمن
DAFTARDAR	دفتردار (مسئول امور مالی)
DUFTERY	دُفتری (پسر بچه ی پادوی ادارات)
DUFTERY	دفتری (کارمند جزء دفتری)
DAFADAR	دفعه دار، وقت‌نگهدار

DEL	دل
GIGERIUM	دل و جگر مرغ
TURBAN	دُلبند، دستار
DUMBA	دمبه، دنبه (دم پهن و بزرگ، گوسپند بخارایی و قرقیزی با دم پهن و بزرگ دنبه ای که پوست گران بهای آستراخان یا قره گل را از آن بدست می آورند.)
	دنبه (ر.ک. دمبه)
DENTIST	دندان
DOU	دو
	توو (انگلیسی)، دو (فرانسه)، دو (کولی های رومانی)
DOAB	دو آب (سرزمین کنار دو شاخه ی رود)
DOZEN	دو جین
DOWRY	دوری (سینی بزرگ غالباً برای مراسم جمعی و حمل جهیزیه عروسی، خونچه یا خوانچه)
DOGANA	دوگانا، دوان (دفتر حساب ها، گمرک خانه در ایتالیا) (احتمالاً برگرفته از حسابداری دوگانه یا همان حسابداری دوبل؟)
TEN	ده
DEHWAR	دهور (کارگر یا برده)
DINAR	دینار
	دیو (سانسکریت) DAEVA, DIV, DEVA
DIVAN	دیوان (جای انجمن و گردهمایی)
DEWAN	دیوان (دفتر حساب ها)
DOUANE	دیوان (گمرک خانه) (ر.ک. دوگانا)
RIGHT	راست
NUN	راهبه، زن تارک دنیا (ننه، مادر روحانی، خواهر روحانی)
ROC	رخ (پرنده ای افسانه ای)
ROOK	رخ (مهره شطرنج)

ROXANNE	رخشان، درخشان، تابان، روشن
DASTUR	رسم، رسومات، عوارض، گمرک
LITRE, LITER	رطل (سطل به عربی)، م.ق. لیتر
GOES (اس سوم شخص در انگلیسی)	رفته‌س (سین بدل از "است"، برای سوم شخص در تداول اصفهانی)
ROXANA	رکسانا
RANK	رنگ (رنگ سلسله مراتب ارتش ساسانی)، رتبه، مرتبه
GEISHA	روسپی، روسپید؟
گیشاهای ژاپنی (با آرایشی بشدت سپید رنگ و اغراق شده)؟	
REAL	ریال
ریال (عربی)، رئال (اسپانول: واقعی، جنس اصل، سکه ی اصل و غیر تقلبی)، (انگلیسی: واقعی)	ریال (لیر، لیره، لیور (واحد قدیم پول فرانسه) : معکوس ریال؟)
REAL	
SETWALL	زادور
ZEDOARY	زادور (داروی محرک هندی)
JUJUBE	زایزافون (درختی آسیایی با میوه ای شبیه خرما)
ELIZABETH	زبیده، الزبیده، الیصابات، الیزابت، لیزبت، لیزابت، لیز، لیزا، الیزه، الیزبت، الیزبت (سبت: شنبه در آیین یهود)
JIRRAFFE	زرافه
SARD	زرد
ZARATHUSHTRA	زردشت
ZOROASTER	زردشت
ZOROASTRIANISM	زردشتی‌گری
ZIRCONIUM	زرگون (عنصر شیمیایی فلزی)
ZIRCON	زرگون، به رنگ طلا، زیرکونیوم
ARSENIC	زرنیخ (ارسنیک)
SAFRON	زعفران
ZAKARIA	زکریا، زاخاری، ساخاری، ساخاروف (روسی)
ZEMINDAR	زمین‌دار
BHUMIDAR	زمین‌دار تمام‌عیار
ZAMINDARI	زمین‌داری

ZENA (CZECH) به زبان چک	زن
ZENA (نام برگرفته از واژه ی زن)	زن
SONA نامی ترکی و فنلاندی برای زنان)	
ZENANA	زنانه (اندرونی خانه)
ZUMBOORUK	زنبوروک، زنبوره (توپخانه سوار)، سواره نظام شتری
GINGER	زنجفیل، زنجبیل
CINNABAR	زنجیفرح
ZERDA	زیرداو (نوعی روباه در شمال آفریقا)
ZIRCONATE	زیرکونات، نمک زیرکونیم
ZIRCONIA	زیرکونیا (زرگون)
ZIRCONIUM	زیرکونیوم
CHALAZA	ژاله (تگرگ)
SAFFIAN	ساختین (چرم سخت کاری شده به رنگ روشن از پوست بز و گوسفند)
SARWAN	ساربان
SHAMIANA	سایبان پارچه ای
SUBAHDAR	سبادار (افسر میان رتبه)
SABZI	سبزی، سبزی خوردن
SEPOY	سپاهی
SIPAHIS	سپاهی
SPAHI	سپاهی، اسپاهی
SPHERE	سپهر، کره، زمین
SITAR	ستار
STAR, ASTRID, STRAUSS KAHN	ستاره، اختر (م.ق. آستارا، آستراخان، استرآباد (گرگان)؛ سه شهر یا منطقه در سه راس دریای خزر)، آسترا، استر (نامی یهودی)، استاره (نامی افغان برای دختر)

STAN (-STAN)	ستان (پسوند قلمرو)، استان
CEDAR	سدر
BANDEAU	سر بند، پیشانی بند، هدبند
SEERPAW	سر تا پا
SERAI	سرا، سرای، خانه
SERENDIPITY	سراندیپی (از داستان پریان‌های سه شازده‌ی سراندیپی در هنگام تولد عیسی مسیح)، مربوط به سراندیپ یا سری‌لانکای امروزی
SARANGOUSTY	سرانگشتی (رنگ یا حنای خضاب سرانگشت)، گچ ضدآب
LAMASERY	سرای بزرگ
SERAGLIO	سرای، قهوه‌خانه
SOORKI	سرخ‌ی
SERDAB	سرداب، زیرزمین خانه
MORGUE	سردخانه‌ی مردگان در بیمارستان، مرده‌خانه، سرداب، مرگ‌خانه
SHERRISTAR	سررشته‌دار (کارمند ثابت)
SIRCAR	سرکار (خطاب احترام‌آمیز، مقام عالی، استان یا ناحیه در دوران مغولی هند)
SURMA	سرمه
SURNAY	سرنا
SAROD	سرود
SERANG	سرهنگ
SOGDIAN	سغدی
SAFARI	سفر، سفر اکتشافی
SCARLET	سقلات (پارچه‌ای قرمز، سرخ متمایل به زرد)، (پارچه‌ی نفیس پشمی)

SUCLAT	سقلات (پارچه ای قرمز، سرخ متمایل به زرد)، (پارچه‌ی نفیس پشمی)
شالوم، شالومون، شالیم = کرنش و تسلیم (در ادیان سامی)	سلام
SHALOOM	سلام (عبری)
SELEUCIDES	سلوکی ها، سلوکیان، (پسین تر سلجوقی‌ها؟)
SHALAMOON	سلیمان
SAMOSA	سمبوسه
SIMMOM	سموم، باد سام
ZANZA	سنج
سجیل	سنج جل، سنگ گل (در داستان ابرهه و حمله به مکه)
INDUS	سند (رود سند)
سجیل	سنگ گل، سنج جیل (در داستان ابرهه و حمله به مکه)
SOWAR	سوارکار، اسبار، اسپوار، گماشته ی سوار
SOFTA	سوخته ، برافروخته (از عشق به معرفت)
SOORKI	سورکی، سرخ، درخشان
SURNAY	سورنا، سورنای، سرنا
SUSSAN, SUSAN, SUE	سوسن
SAOSHYANT	سوشیانت، منجی هزاره ای زردشتی
SONA	سونا (نامی ترکی و فنلاندی برای زن)، زنا، زن
SE (در کولی های رومانی)	سه
SEBESTAN	سه پستان، سگپیستان
SITAR, GUITAR	سه تار، سیتار (هندی)، زیترا (آلمانی)، گیتار
KAFFIR, KAHER	سیاه برزنگی
SYAGUSH	سیاه گوش (گرچه وحشی-)
SITAR, GUITAR	سیتار (هندی)، سه تار، زیترا (آلمانی)، گیتار
SIHON	سیحون (یکی از دو رود فرارود یا ماوراءالنهر)، سیحون، صیحون، صهیون (نام تپه ای در اورشلیم یا همان بیت المقدس) و یکی از 4 رود بهشت عدن (به بیان آیین یهود)
SEER	سیر (واحد فرعی وزن در قدیم)
SIGARETTE, SIGAR	سیگار
SIMURGH	سیمرغ

SHAWL		شال
SHALKESHMIRI		شال- کشمیري
SHAMIANA		شامیانه (سایبان پارچه اي)
SHAH		شاه
CHECKMATE		شاه مات (در شطرنج)
SHABANDAR		شاهبندر
SHAHZADA, SHAHZADAH		شاهزاده
SHAHI		شاهی (يك بیستم قران یا کران، واحد پول ایران در دوران قاجار)
SHAHIN		شاهین، شاهین ترازو
CHUBAN, SHEPHERD		شبان (ر. ک. چوپان)
CAMEL		شتر (جمل)
	شراب (عربی)	شراب (فارسی)
ABKAR		شراب ساز
ABKARI		شراب سازی
SORBET (FRENCH)	نوعی بستنی همراه با شربت	شربت
	شراب (در عربی)	شربت، شراب
SYRUP		شربت، شراب
SHAME		شرم
CHARITY, CHARITE		شریعت؟ شریعتی؟ (شاید ریشه در فرقه‌های مددکاری مسیحی. دیرنشینی داشته‌باشد که به خاطر فشارهای وارده از سوی قدرت مرکزی دینی (واتیکان)، خود را مقید به شریعت آنان معرفی یا وانمود می‌کردند. شریعت در این معنا، واژه‌ای عربی به معنی مجازی نهاد و آیین رسمی دینی (اورتودوکس) است.)
SHERRIF	(افسر پلیس آمریکایی)	شریف، ستوان کلانتری، کلانتری، پلیس
SIX		شش، شیش
CHESS		شطرنج
JACKAL		شغال
SHIKAR		شکار
SHIKARGAH		شکارگاه

SHIKARA	شکاره (قوش شکاری)
SHIKARI	شکاری
SUKAR (SPANISH), SUGAR	شکر
SHIKASTA	شکسته
SHERRYVALLIES	شلوار
SCIMITAR	شمشیر
CANDLE	شمع، قندیل
SHAMOUNE	شمعون (عبری)، ثمانه؟ (عربی)، سیمون، سیمونه، سایمون (اروپایی)
SATRAP	شهربان، فرماندار، ساتراپ (برگرفته از ساتراپاوان)
SHAHEED, SHAHID	شهید (گواه)
SHAHIDI	شهیدی (مربوط به گواه)
CETERAKH, SHITARAKH	شیتاراک (نوعی سرخس)
SHERRY	شیراز (جیرز در دوران رستمی‌های اسپانیا)؟
SHIRAZ	شیراز (شراب قرمز نامدار جهانی، گلیم قشقایی، تنباکوی برازجان هر سه بنام شیراز شهرت دارند)
SEERSUCKER	شیر و شکر، به رنگ شیر و شکر (سفید مایل به زرد)، پارچه‌ی راه راه شیر و شکری
SIX	شیش، شش
SHISH KEBAB (چین و آسیای میانه و انگلیسی)	شیشلیک، شیشلیق (ترکی: مربوط به شیش یا گوسفند)، شیش کباب
SATAN	شیطان
SOAP	صابون
SAHIB	صاحب، ارباب
SAHARA	صحرا
JAR	صدای گوشخراش، جار
CHANSELLOR	صدر اعظم، نخست وزیر، وزیر اعظم در برخی دربارها، جنگسالار،
CIPHER, CYPHER, ZERO, SIPHER	صفر، رمز، پیام رمز، کلید رمز، رقم
SOFA	صّفه (عربی-فارسی)، کاناپه، نیمکت مبلی
SANDAL	صندل، دم پای
CORDOBA (SPAIN) قرطبه (ریشه‌ی عربی کوردوبا)	طرقبه (حومه‌ی مشهد)؟

POPINJAY	طوطی، ببغا، پاپاگایو
TOQUE	طوق، تاق، روسری، شال
ABBASI	عباسی (سکه ایرانی و افغانی)
EDEN	عدن، عدن یمن، باغ عدن (کنایه از باغ بهشت)، باغی در بهشت
ARAK	عرق (نوعی مسکر) (انگلیسی، عربی، ترکی)
ISRAEEL, ISRAEL	عزرائیل، اسرائیل
AUSTERITY, AUSTERE	عسرت (طائفه‌ی عسرتیه؟)، عسر، ریاضت‌کشی، ساده‌زیستی، افراطی
ODOR	عطر، عطر، عطر
EFRIT	عفریت
HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	علف، حشیش، بنگ،
ALIA, ALI (در یوگوسلاوی سابق)	علی
AUMILDAR	عملدار، تحصیلدار هندی
JESUS	عیسی، یشوع، عیشوع
GOOSE, GEESE	غاز
NOSH	غذا، غذای سَبُک (نوش)
NOSH UP	غذای حسابی، غذای مفصل (نوش)
ALGOS (GREEK)	غصه، درد
GHONCHA	غنچه، گونچا، خونچا، خونچه (بوسنیایی)
GHOUL	غول، روح مرده خوار، آدم سقّ سیاه، آدم بد نفس
FEW (تعداد اندک)	فئه (عربی به معنی تعداد)
FARSI	فارسی، پارسی
FIN (ITALIAN), FINISH, FINITE	فانی، فنا، پایان
FITNA	فتنه (دوست داشتنتی، جذاب، شورانگیز)
FATWA	فتوا
FIDAI	فدایی (عضو فدایی حشاشین اسماعیلی مذهب)
PARA- (PREFIX)	فرا (پیشوند)، بالاتر، وراء، فوق
	فرا (فارسی)
EUPHRATES	فرات (یوفریترز: خوش گذر، رود قابل عبور برای قایق)
EXODUS	فرار دسته جمعی قوم، حشر، خروج دسته جمعی به منظور نجات از قتل عام، اخراج دسته جمعی
PARADISE	فردوس، پردیس، بهشت

FERS	فرزین، فرزانه، فارس (سواره نظام ساسانی)
ANGARIA	فرستاده‌ی سلطنتی، کار اجباری برای صاحب قدرت
FARSAKH	فرسنگ، فرسخ، پارسنگ مسافت‌شمار (واحد متریکی. پارسی برابر با 10 کیلومتر یا 6.21 مایل در دوران پیشتر، واحد مسافت برابر با 6 کیلومتر)
ANGEL	فرشته
FERGHAN	فرغان، فرغانه (منطقه ای در آسیای مرکزی، قالیچه ی پارسی اکثراً پنبه ای)
FIRMAN	فرمان، حکم، جواز، مجوز
FERINGHEE	فرنگی (اروپایی، اهل فرانک یا فرانسه)
FAKIR	فقیر، درویش، روحانی سائل هندی
	فقیر، گدا (بیکار)
FAKIR	فقیر، گدای دینی مقدس هندو، درویش، زایر هندو، هندو
FLAMENCO (ESCAPEE PEASANT)	فلاح‌منجو، فلامنکو (به عربی اندلسی: کشاورز فراری پناهنده و موسیقی همین کشاورزان و در تداول امروزی، نوعی موسیقی پرتحرک و نام‌دار اسپانیولی)
مغرب "پل ورگان" پارسی	فلورجان: شهری در نزدیکی اصفهان (ر.ک. پل ورگان)
PEPER	فلفل، بی‌بر (فلفل در گویش کرمانشانی و زبان کردی)
FINISH, FINITE, FIN	فنا، پایان، فانی
FAUJDAR	فوج‌دار (افسر جزء)
FAUJDARI	فوج‌داری (دادگاهی جنایی در هند)
ELEPHANT	فیل، الفیل
PHILISTINIC	فیلیستین، فیلیستینی، فیلیستینیسیم (کنایه از بی ذوقی و نافر هیختگی، هنرنشناسی (انگلیسی و اروپایی)
CANON	قانون، قانون دینی، فقه، شرع
KAYAK (اسکیمو)	قایق (ترکی)
BUNDER BOAT	قایق بندری
KABBALAH	قبیلا، کاببالا، کببالا (آیین عرفانی یهود که بدنبال 1001 اسم خدا و اسم اعظم است)، قواله؟ قباله؟ (سند مالکیت)، قوالی؟ (در پاکستان)، قابیل؟ قبیله؟

EGYPT, ALGIBT	قبطی، القبط، اجیبت (انگلیسی)، الجیبت، القیبت
GODS (خدایان)	قدس، روح القدس، قدس (اورشلیم)
CARAFE	قرابه، تنگ دسته دار بزرگ
KORON, CROWN, KHROSOS (CHRONOLOGY), KRAN	قران (مجاورت دو ستاره در سیر حرکت خود، به نشانه‌ی رخدادی خوش که در فاصله‌های زمانی خاصی روی می‌دهد و کسی که صاحب آن باشد یعنی همه‌ی زمان‌ها و برتری‌ها از آن اوست)، زمان (سلطان صاحب قران، صاحب الزمان)، همه‌ی زمان‌ها، تاج، گاه‌شناسی، قران (واحد اصلی پول ایران در دوران ناصرالدین شاه سلطان صاحب قران، سکه‌ی نقره‌ی یک قرانی)، واحد پول
ABCD, KLMN, QRST	قرشت (ابجد، ...، کلمن، ... قَرَشْت، ...)
KERIAT (عبری)	قریه
CASPIAN	قزوین، کاسپین
KISMET (TURKISH)	قسمت، نصیب و قسمت، سرنوشت، تقدیر
QASHQAI (نوعی برند خودرو)	قشقای
KASSAP, KASSAB (ترکی استانبولی)	قصاب
MUSULMAN, MUSLIM	قضا و قدری، آدم قضا و قدری (تلقی قرن هجدهمی برخی غربیان از مسلمانان)
CAFTAN, KAFTAN	قفطان، خفتان (لباس بلند گشاد زنانه و کمربند دار)
CASTLE, GALA, CALA گالا (اسپانیولی، روسی، ترکی قفقازی)، گالاتا (ترکی استانبولی)، کالا (رومانیایی)، گالاسی ترکی مصطلح در روسیه، کسل (انگلیسی)	قلعه، قلعت، قلا، کلنت، گلا (در مازندران)، قلعه، کلایه (در حوزه‌ی البرز)، کلاته (حوزه‌ی خراسان جنوبی و سیستان)، کلات (حوزه‌ی خراسان شمالی و مرکزی)
KALA AZAR	قلعه-آذر (نوعی بیماری انگلی طحال)
CALENDER, QALANDAR	قلندر
CALEAN	قلیان
CANARY	قناری
CANDY	قندی، آب نبات
CHANDELIER	قندیل لوستر، چلچراغ، جا شمعی (یا همان لوستر آویزان از سقف برای شمع‌ها)
CANDLE	قندیل، شمع
GABARIT	قواره، گاباری
GOURMET (خوراک شناس، شکم چران)	قورمه، قرمه
GHOROUT (یوقورت: ماست انگلیسی)	قوروت (کشک برگرفته از ماست به ترکی)، قره قوروت
COLON	قولون، کولون (بخشی از روده بزرگ)

KUMIS, QUMIS, KOUMISS	قومیس، کومیس (مسکر ساخته از شیر شتر یا اسب در آسیای مرکزی و غرب آسیا) ، قومه س (سمنان در دوران اشکانی)؟؟؟؟
BEIGE	قهوه‌ای مایل به زرد خاکستری، کامبیز (پارچه ظریف جامه‌ی عید شاه)، بژ
KARAT, CARAT	قیراط
TSAR, CZAR, TZAR, CAESAR کایزر	قیصر، تزار، سزار، کسری
KABBALAH	کاببالا(نک. قببالا)
KABULI	کابلی، افغان
KARKON	کارکن
CARCOON	کارمند، کارگر دفتری
CARAVAN	کاروان
CARAVANSERAI	کاروان‌سرا
CARAVANSARY	کاروانسرا، کاروانسرای
KAREZ	کاریز (قنات)
CASE (ظرف یا پوشش حفاظتی)	کاسه، ظرف، جعبه، کیسه
ALKENKENJI	کاکوناچ (گیلاس زمینی)
قالب (عربی)	کالبد
CAMBODIA	کامبیز، کمبوجیه، کامبوج ؟
KEBAB, KABOB (در چین و آسیای میانه)	کباب
KATIRA	کتیرا
KAJAWEH	کجاوه
KOHL	کحل، سرمه
COUGH (انگلیسی)	کُخه، کخ (سرفه در گویش‌های کردی و لری)
UKRAINE یوکرین، اوکراین (به روسی: او (سرزمین، در محل)، کراین (مرزی، کرانه‌ای، انتهای))	کران، کرانه، مرز، نهایت، انتها، پایان، (مجازاً) ساحل
KRAINE	کرانه، مرز
KURTA	کرتا (پیراهن گشاد بی یقه)
CARCASS (انگلیسی: لاشه و مردار)	کرکس (مردار خوار)
KERANA	کرنا‌ی
CASSOCK	کژاکند (کت یا پیرهن بلند گشاد حریر زنانه یا مردانه)

KUSTI	کُشتی، کُستی (کمر، ریسمان مقدس کمر بند پارسیان)
KASHMIRI	کشمیر (پارچه‌ی نفیس بافته شده از پشم گوسفند کشمیری)
KAFTAN	کفتان، خفتان
COFFIN (تابوت)	کفن
CASTLE	کلات (نک: قلعه)
CULGEE	کلگی (پر زینتی و جواهر نشان دستار امیران)
ABCD, KLMN, QRST	کلمن (ابجد، ...، کلمن، ... قَرَشَت ، ...)
SPELL	کلمه (در اساطیر سامی)، اسم، طلسم، افسون، ورد، هجّی کردن حروف کلمه، به معنی چیزی بودن، توضیح و شرح و بسط (علم و احاطه به ماهیت چیزها با دانستن اسم رمز آن‌ها و نتیجتاً تسلط بر ماهیت آن‌ها)، 1001 اسم خدا در اساطیر یهود و در عرفان کابالای یهودی، و "علم الأدم الاسماء کلها"، اسم اعظم، خود اسم اعظم،
KINCOB	کم خواب (حریر طلا بافت یا نقره بافت)
KEMANCHA	کمانچه
CUMMERBUND	کمر بند
KNESSET	کنشت (عبادتگاه یهودیان)، کنست (مجلس در عبری)
KENAF	کنف
KOTWALEE	کوتوالی (کلانتری)
KOSHER	کوشر (صدای شین عبری در عربی به صدای سین یا ث یا ص تبدیل می شود: شالوم = سلام، شالامون = سلیمان)
KIOSK	کوشک (اتاقک، غرفه)، گوشه، کنج
KOFTGARI	کوفته گری (مرصع کاری آهن با طلا، زر کاری، فلز کاری)
KOOHINOOR	کوه نور (الماس-)
CAVE	کهف (غار-)
CASE	کیسه (نک: کاسه)
KILO	کیل، کیلو

CHEMISTRY, CHIMIE	کیمیا، شیمی
KIOSK	کیوسک، کوشک (اتاقک، غرفه)، گوشه، کنج
COW	گاو ماده
THOR	گاو نر، ثور
GIAOUR	گبر
GATCH	گچ
GRAND	گران (بزرگ، بسیار، بسیار بزرگ)
PETROGRAD, STALINGRAD, ...	گرد (نک. جرد در دستجرد، بروجد، دارابگرد، هشتگرد، سوسنگرد)، پتروگراد، لنینگراد، استالینگراد، نووگراد
GATHER	گردآوری
GERDA NAAN	گرده، نان. گرد، گرده نان (سین کیانگ چین و آسیای میانه)
WARM	گرم، ولرم
GROUP	گروه
GRIEVE	گریوه (گریه و اندوه در لری. بختیاری)
GET	گشت (گشتن، شدن)
ARKHANGELSK	گل (دریاچه) (در آرخان گیل سگ روسیه ی قطبی)
GUL	گل (گل سرخ)
PROPHET FLOWER	گل پیغمبر
GULHINNAI	گل حنایی (نوعی نقشه ی قالی)
ROSE	گل سرخ، رز
GULMOHAR	گل مَهر (نوعی سکه‌ی طلا با نقش گل)
GOLAB	گل‌آب
JULEP	گل‌آب
COOMB	گنبد (واحد ظرفیت)
GUNGE	گنج (ذخیره ی پر ارزش)
GIAOUR	گور (گبر، آتش پرست)
GHORKHAR	گورخر
GON (suffix)	گون، گونه (وجه، ضلع، سطح، رخ، لپ)

GUITAR, SITAR	گیتار، سه تار، سینتار (هندی)، زیتار (آلمانی)،
GITA	گیتی
GIHON	گیهون (یا معرب آن: جیهون، یکی از دو رود بزرگ حوزه‌ی ورارود یا ماوراء النهر)، چشمه و نهر گیهون در دیواره‌ی جنوب شرقی "تپه‌ی معبد" بیت المقدس، ر.ک.: جیهون
LOUT	لات، اوباش
AZURE	لاجورد، لاژورد
LARIN	لاری (پول مفتولی نقره‌ای، گاهی به شکل قلاب ماهی، رایج در بخش‌هایی از آسیا و جزائر مالدیو)
LAARI	لاری (پول منسوب به شهر لار، پول مفتولی نقره‌ای، واحد جزیری پول مالدیو برابر یک صدم روفیبه، سکه‌ی یک لاری)
LAC	لاک
TULIP	لاله، دُلبند
LIP	لب
LOBE	لب (اولوالالباب = صاحبان مغزهای پر خرد)
CAFTAN	لباس زنانه‌ی کفتان (یا خفتان)
LABIAL	لبی (وابسته به لبه)
LASCAR	لشگر، لاسخار (ملوان هندی، توپچی)
CHILAMCHI	لگن بزرگ حمام
LOINCLOTH	لُنگ
LEG	لنگ، ران، پا
LUNGI	لُنگی (پارچه‌ی پنبه‌ای برای انواع جامه)
ALOBIA (SPANISH)	لوبیا
LYDIAN	لوطی، اهل شهر لوط، اهل لودیه در ترکیه؟ که داستان سپاهیان بجای گذاشته شده‌ی خشایارشا در آن شهر پراوازه است. ؟
LICK	لیس، لیسیدن
LOOFA, LOAFA	لیف (میوه درختی هندی که بعنوان اسفنج شستشو بکار می‌رود.)
LILI	لیلا، لیلی
LIME, LEMON	لیمو

LEMON	لیمو
LIVRE	لیور (با سکون واو، بر وزن سیبل) (واحد پول در فرانسه ی قدیم) (مقایسه کنید با ریال، لیر، لیره)
MATE	مات، میت (در چک میت یا شاه مات)
MOTHER, METRO (یونانی)	مادر
MAMA (INCA GODDESS)	مادر (ماما، الهه ای اینکا)
NANA	مادر بزرگ، ننه، نانا (چینی)
METROPOLIS, METROPOLITAN	مادر شهر، ام القرى، بلد کبیره
MARKHOR	مارخور (بز وحشی افغان و هندی)
YOGHOURT	ماست، یوگورت (ترکی- مغولی)
MALGUZAR	مال گزار (موجر)
MELANCHOLY	مالخولیا
MAMA (INCA GODDESS)	ماما (مادر، الهه ای اینکا)
MAMAN	مامان (مادر)
MANICHEAN	مانی گرا، مانوی
MARRY	مبارک
TRADUTTORE TRADITORE	مترجم خائن است (ایتالیایی)، مترجم = دروغگو
TALE	متل
MAGIC, MAJESTY	مجوس (منسوب به-)، مغ (جادوگر، ساحر)، فرهمند
MAGI, MAGUS	مجوس، مغ
	محراب (ر.ك. مهرآوه و مهرابه)
MARDANA	مردانه (بیرونی خانه)
MORTUARY	مرده خانه، سرداب مرگ خانه
MORTAL	مرده، مردن، موردن، موجود مردنی، بشر فانی، موجود فانی،
MORGUE	مرگ خانه، سرداب مرده خانه، سردخانه ی بیمارستان
امرود (فارسی قدیم)	مَرُو (گلابی در تداول کردی)، امرود
MURRA	مُرّی (سنگ ساچمه ای شفاف نیمه جواهر برای ساخت ظروف)
MARY	مریم
MEZEREON	مزارعون (کشاورزان)
MAZDAK	مزدک (اصلاحگر دین زردشت)

MAZDAKITE	مزدکی
MAZDOOR	مزدور (کارگر)
MEZZEH (ترکی، عربی، عبری، یونانی، ایتالیایی، انگلیسی)	مَزّه (خوراک سبکی که همراه نوشابه‌ی سنگینِ سکرآور تلخ‌وش خورده می‌شود.)
MASS (مراسم عشاء ربانی)، MASSAGE (مالش)، MESSIAH (منجی موعود، مسیح یا لمس کننده‌ای که با لمس کردن و مالش دادن شفا می‌داد)	مَسّ (لمس کردن به عربی)، مسح، نوازش، مالش، لمس، مراسم عشاء ربانی، مسیح: تدهین کننده (تدهین: مالیدن روغن مقدس به منظور تبرک و شفا)
MUSTH	مست (فیل -)، مهاجم خشم‌آگین
MASCARA	مسك، مشك، ریمل
MUSLIM, MUSULMAN	مسلمان
MESSIAH	مسیح (ر.ک. مَسّ)
MUSK	مُشک، عطر آهوی مشک، آهوی ختن، مسک
MITHRAISM	مطهره‌گرایی، میتراگرایی (نام الهه در مهرگرایی یا همان مهرپرستی)
MAGI, MAGUS, MAJIC, MAJESTY	مغ (روحانی آیین زردشتی)، مجوس (مغ در تداول عربی)، مجوس (منسوب به-)، مغ (جادوگر، ساحر)، فرهمند
MOGUL	مغول (سلسله‌ی پادشاهی‌ی هندی)
mecca	مکه، مِکّ با m کوچک (کانون شعر و هنر، کعبه‌ی آمل، قبله‌ی حاجات، مکان مورد توجه همگان)
MOLLAH, MULLAH	مُلا
TAPESTRY	ملیله (از تفتان، تابیدن، پیچاندن)
MANNA	مَنّ (غذایی بهشتی در اساطیر سامی)، به عربی: شیرهی پر ارزش درخت گز
MOBED	موبد
MANTICORE	موجود افسانه‌ای با سر آدم‌شاخ‌دار، تن شیر و دم اژدها یا عقرب
MOSHE (عبری)	موسی
MOUSE	موش، موش‌واره
MUMMY	مومیایی، جنازه مومیایی شده، مادر
MEHTAR	مهتر
MOHUR	مُهر (سکه‌ی طلا)

محراب (عربی)	مهرابه، مهراب، مهرآوه (چاله یا حوض ویژه‌ی آب غسل تعمید در قلب و انتهای معبد مهر گرایان، آب غسل تعمید مهر گرای)، مهراب (پدربزرگ مادری رستم و پادشاه توران یعنی پادشاه منطقه‌ی تقریبی‌ی ترکستان آسیای مرکزی که زادگاه مهر گرای بوده‌است)
مهرجان در عربی به معنی جشن، فستیوال، نمایشگاه	مهرگان (جشن-)
MITHRAISM	مهر گرای، میترائیسم
MEHMANDAR	مهمان‌دار
MITHRA	میترا، مطهره (الهه‌ی پارسی)
MITHRAEUM	میترای (منسوب به مطهره، الهه‌ی نور و حقیقت پارسی)
MITHRAISM	میترای گری
MIRZA	میرزا (امیرزاده)
MICHEAL میشل، میشله، میکله، مایکل، مایک، میکی، میگل، میخائیل	میکائیل
NAKHUDA	ناخدا، کاپیتان
NARGIL	نارگیل
NARANCHE (SPANISH)	نارنج
ORANGE	نارنج، نارنگی، ترنج
NAME	نام
NAAN (IN INDIA)	نان (در فارس زبانان، و در سین کیانگ چین)
NAVY	ناو
CHANCELLOR	نخست وزیر، وزیر اعظم در برخی دربارها، جنگ‌سالار، صدر اعظم
NARSISSUS	نرجس (رک. نرگس)
NARSISSUS	نرگس، نرجس
NAGHME (عبری)	نغمه
NAPHTA	نفتا، نفت
NEFTGIL	نفتگل، گل نفتی، گل نفتا
NAG	نق زدن
NOUGHT	نقطه، صفر، هیچ
NAMAZ	نماز

(در بنگلادش، ترکستان و آسیای مرکزی؟)	
NUMDAH	نمد
NANNY (ANNA روسی و ترکی)	ننه، آنا (ترکی)، دایه، پرستار بچه
NUN	ننه، دایه، خواهر مقدس، راهبه؟
NANA	ننه، مادر بزرگ (به ایتالیایی)
NEW	نو
NOAH	نوح
NOOR	نور
NURISTANI	نورستانی (اهل کافرستان بودایی شمال افغانستان قدیم)
NOUVEAUX RICHE	نورسیده (نُوو ریش)، نوکیسه
NOWROOZ, NAURUZ	نوروز
NOSTRUM	نوش‌دارو، علاج
NUGHET	نوقا (شیرینی تبریزی)، بزبان وانجی در برخی ایالات تانزانیا و مصطلح در اروپا)، شیرینی بادام دار؟
NOUVEAUX RICHE	نوکیسه (نُوو ریش)، نو رسیده
NEPHEW	نوه؟ پسر برادر یا خواهر خود شخص یا همسرش
NO	نه
NINE	نه
NAY	نی، نای
NASTIKA (سانسکریت)	نیستی (نه‌هستی)
LILAC	نیلک، نیلی
DEMITASSE	نیم‌تشت (نیم فنجان، فنجان کوچک)
PARA- (PREFIX)	وراء (عربی)، فرا (پارسی)
CASH	وزنه ی توزین طلا و نقره، واحد ارزش، هم‌تراز یک سکه، نقدینه
VIZIER	وزیر
VICEROY	وزیر، نایب السلطنه
CHANCELLOR	وزیر اعظم در برخی دربارها، جنگ‌سالار، نخست وزیر، صدر اعظم
VESSEL	وسیله (-ی حمل)
WARM	ولرم، گرم

VISPERED	ویسپرد (متن تکمیلی مقدس اوستایی)
WELL (چاه در انگلیسی)	ویل (نام چاه بی پایان جهنم در قرآن)
ACHAEMENID, ACHIMENED	هخامنشی
ASSASSIN (هراس افکنی، ترور)	هراس افکنی، حشاشین (پیروان حسن صباح، متهم به ترور)
HIRCARRAH	هرکاره (ابزار یا آدم هرکاره، آچار فرانسه)
ASTICA (سانسکریت), IS (انگلیسی)	هست، است
ASTIKA (سانسکریت)	هستی
EIGHT	هشت (اَشت، ایت)
PEACH	هلو، پرسیکوم، سیب پارسی
HOMA	هما (درخت مقدس میان رودانی اوستایی، نقش و الگوی این درخت در بافته های پارسی)
HOMOGENOUS	همگن، همگون
HINDU	هندو
HINDUSTAN	هندوستان
HINDI	هندی
HOWDAH	هودج، کجاوه
RELIC (RELIGION) (مربوط به رلیک و یادگارهای مقدس)	یادگار مقدس، شیئی مقدس (دین)
YARAK	یارکی، یارگی (توان، قدرت، پرواز خوب)
JASMINE	یاس، یاسمن
JASPER	یشپ (سنگ یشم)
YASHT	یشت (در متون اوستایی)
JACOB ژاکوب (فرانسه)، جی کب (انگلیسی)، یعقوب (عبری)، یاکوب (روسی)	یعقوب
YEK (در کولی های رومانی)	یک
JOHN	یوحنا
JOSEPH ژوزف، ژوزفین، ژوزفینا، جوزپه، جوزف، یوزف، خوزه، جی ساپ، ژوزه، ژوزوئه	یوسف
YOKE	یوغ

YOGOSLAVIA

یوگوسلاویہ (یوغ + اسلاو : بردہ ی زنجیری !؟)
(اِس لَ یو انگلیسی # اسلاو)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.